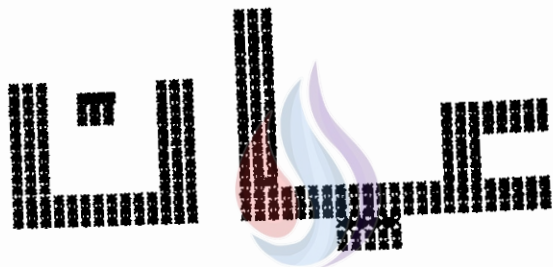


دخالت نظامی ایران در



TerrorSpring

مقاله روز

((جبهه خلافت بر آتشکرم عاصم و شیخ عربی))

(طـــــ)

مطالعه تاریخ جدید نشان می‌دهد که دخالت بیگانگان نسبت به هر کشور ابتدا
شکل مصلحتی دارد و اگر با مقاومت داخلی نیرومندی مواجه نشد و اگر این -
دخالت از لحاظ داخلی و خارجی و در گنجه مطوح فاش نشد دخالت بیگانه -
ماسک از چهره بر می‌دارد و بصورت یک عمل انجام شده در می‌آید .
وضع دخالت ایران در عمان نیز به همین گونه است ، قدم به قدم پیش رفته و امروز -
بصورت ارتش اشغالگر در آمده که نقره اول را در سرکوبی نموده های خلیج
با در عمان بعبده دارد و جنگ تجاوزکارانه در استان جنوبی عمان -
(طـــــ) بعبده اوست .

"جهبه خلق برای آزادی"

عمان و خلیج عربی"

بخش تبلیغات

TerrorSpring

* اخیراً نیروهای مسلح عمان توانسته اند راه سبیل شریعت و صلاحه را بکشایند .
+ از بیانیه وزارت اطلاعات سلطنت عمان نشین مسقط

* ما وجود هرگونه نیروی نظامی ایران را در عمان نفی میکنیم ، اما قبلاً اعلام
میکیم که عده ای گارشناسرو میهند بر غیر عمانی در ارتش همین عمان خدمت میکنند .

+ مجله نیمه رسمی " عقیده " چاپ : مسقط ، ۱ / ۲۱ / ۱۹۷۴ +

* ما کتکبانی را که سلطان عمان از ما خواسته به او داده ایم . . . نیروهای -
پیاده ایران در ماه گذشته نتوانستند قهرمانانه راه ظفار بین صلاحه و مسقط
را که شورشیان بخشی از آنها اشغال کرده بودند ، باز کنند . *

+ شاه ، در مصاحبه با " دیلی تلگراف " نقل از خبرگزاری فرانسه ۷ / فوریه -

+ ۱۹۷۴

* هیچکس جز شاه ایران به ما کمک نکرد . حقیقت این است که ایرانیها علماً در
صلاحه پیاده شدند . *

+ تابوس در مصاحبه با مجله " الحوادث "

چاپ لبنان ۸ / ۲ / ۱۹۷۴ +

* آقای زواوی (وزیر خارجه سلطان نشین عمان) در يك مصاحبه مطبوعاتی .

انتقادی را که از ناحیه اعراب در مورد قبول پیشنهاد ایران برای دخالت
نظامی علیه انقلابیون برهبری " جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج عربی " .
بکشور او شده بود قاطمانه رد کرد . *

+ لاهور ، ۲۲ / ۲ / ۷۴ ، روزنامه +

از ۲۰ / ۱۲ / ۷۴ تا کتون ، نیروهای ایرانی ، انگلیسی ، آمریکائی و تابوسی
دست به حمله نظامی علیه منطقه وسطای از مناطق آزاد شده استان جنوبی

عمان (ظفار) زده و نبردهای شدیدی بین نیروهای ارتش آزاد بیخس -
خلق و نیروهای تجاوزگر که تعداد آنها به ۳۰۰۰ نفر تخمین زده میشود ، -
در جریان است . کارشناسان آمریکائی جنگهای ضد چریکی رهبری عملیات -
نیروهای تجاوزگر را بعهده دارند .

این حمله در چهار جوب هجوم وسیع امپریالیسم و ارتجاع بمنظور ایجاد شرایطی
در عمان و خلیج و شبه جزیره عربستان صورت میگردد که با وضع کنونی خاور میانه
هماهنگ بوده راه را برای سرکوبی جنبشهای انقلابی در منطقه عربی و در پیشا -
پیش همه انقلاب فلسطین و نیز برای محاصره رژیم پهلوی بمن در موقتیک هموار -
سازد . شرایط را برای این حمله از طریق اتهامات درونی بر علیه جمهوری یمن
در موقتیک مساعد میکنند . از قبل اینکه :

جمهوری در موقتیک یمن علیه سلطان نشین عمان دست به دخالت زده است و
یکی از مجلات بیروت که دارای روابط محکمی با سازمان جاسوسی آمریکا است -
علنا نوشت " دخالت یمن در موقتیک در شتون داخلی عمان پس از جنگ -
اکبر ، بصورت خطرناکی در آمده است . "

مخالف استعماری با اشاعه این دروשה میخواهند تضاد اصلی بین استعمار از
یکطرف و خلق عمان از طرف دیگر را سرپوش کرده و خود را برای یک حمله -
وسیع علیه انقلاب مسلحانه خلق عمان آماده کنند ، درست در هنگامیکه قاپوسرو -
انگلیسها ، یمن در موقتیک را به دخالت در امور داخلی عمان متهم میکنند ،
شاه ایران در محاصبه های متعدد با روزنامه های بیگانه اظهار میداشت که -
نمی تواند هیچگونه وضع انقلابی را در منطقه تحمل کند و اینکه او آماده است تا -
ارتش خود را برای کمک به قاپوسرو به عمان بفرستد . هدف از این سخنان آن بود

که دولت‌های طی عربی را در برابر عمل انجام شده قرار داده، آنها را بدخالت
ایران عادت دهد، تا آنرا مسأله تمام شده تلقی کنند، و سخنانی از این نوع -
چه از طرف ایران و چه قاپوسرو چه انگلیسها فراوان است.

شکست طرح سرکوبی انقلاب سلحانه

کمیته کوششهایی که در گذشته برای سرکوبی انقلاب سلحانه خلق انجام شده بود
شکست خورد، اهم این کوششها عبارت بود از بحمله اکبر - نوامبر ۲۱ که بوسیله
نیروهای انگلیسی انجام شد و نیروهای ضربتی ویژه معروف به اس. آ. اسرو -
معروف به شیطا طین سرخ در راه آنها قرار داشتند. همچنین کوشش برای تخریب
بیب انقلاب از داخل نیز که تجسم آن جنبش انشعابگرانه ۱۲ سپتامبر ۲۰ بود به
شکست انجامید.

فراتر از اینها، انقلاب، برهبری "جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج عربی"
توانسته است وجود خویش را در کئی مناطق خلیج تثبیت کند و توده ها را طبعه
حکومت‌های ارتجاعی بسج نماید بطوریکه حکومت‌های مزبور دیوانه وار بدستگیریهایی
وسیمی در صفوف خلق پرداختند. در برابر این شکست و در برابر افزایش -

عملیات نظامی ارتش آزاد بیخبر و ملیشمای خلق، خصوصاً بعد از گوله باران -
شدید پایگاه انگلیسها در صلاله بوسیله انقلابیون، محاصره چهارروزه موضع نظامی
صرفیت، سرنگون کردن و انهدام چهار هواپیمای انگلیسی در دو ماه نوامبر
و دسامبر ۲۳ و کشتن عده ای از سربازان و افسران ایرانی در برخی عملیات...
دشمن به افزایش نیروهای ایرانی و انگلیسی و سعودی و هماهنگی بین آنها -
پرداخت، تا بنظر خود انقلاب را در عمان و خلیج سرکوب کند و با رژیم پیشرو -
یعن دموکراتیک بمقابله برخورد.

توطئه قاپوس - انگلیس - ایران

درست هنگامیکه افکار عمومی جهان و افکار عمومی مردم عرب متوجه کفرانوس -
آمریکائی صلح و جریانات آن بود ، منطقه عمان و خلیج و جنوب شبه جزیره عربی
شاهد فعالیت‌های امپریالیستی و سمعی بود . مانور های نظامی پیمان سنتو از
۲۰ / ۱۱ / تا ۱۲ / ۱۲ / ۱۹۷۳ در دریا و هوا پفرماندهی افسران ایرانی در
خلیج عمان و خلیج عربی * و در نزدیکی تنگه هرمز جریان داشت . از سوی دیگر
فعالیت‌های تحریک آمیز ستوالی ناوگان هشتم آمریکا در مرزهای پیمان دموکراتیک روبه
افزایش بود . حمله نظامی وسیع ایران ، درست در زمانی که جنبش مقاومت فلسطین
در معرض توطئه های سرکوب قرار داشت ، به عنوان بخشی از طرح امپریالیسم ،
به منظور خاموش کردن کانونهای مشتعل انقلاب در منطقه عربی ، صورت گرفت .
این حمله پرده از ادعاهای دروغ رژیم سلطنتی ایران در مورد کمک ایران به -
فصیه فلسطین و خلق عرب بر میدارد . همچنین خیانت‌های حکام مسقط را نیز بر -
ملا میسازد که وقتی منافع خود را در خطر ببینند و احساس کنند که جنبش فلس -
طینی در مرحله ای رسیده که موجودیت آنها را تهدید میکند ، از ارتکاب هیچ خیانتی
ایا نمی‌هرزند .

بدنبین سال نفت

هم زمان با آزادگی برای این حمله بزرگ بخشی از روزنامه های مرتبط با محافل -
استعماری اشاره کردند که شرکتهای آمریکائی در نظر دارند عملاً تعطیلی -
در استان جنوبی عمان (ظفار) را که از سال ۱۹۶۵ با شروع انقلاب تعطیل
شده در میدان نفتی " مریول " از سرگیرند .

اخبار موثقی که در اختیار انقلاب است تا" کید میکند که هماهنگی کامل بین نیروهای ایرانی و مزدورانی که از سعودی کمک میگیرند در مرزهای ظفار و بین دموکراتیک وجود دارد. همچنین بین نیروهای انگلیسی و ایرانی و مزدوران هماهنگی زیادی بوجود آمده است بهمنظور آنکه موجودیت انقلاب را در این منطقه از بین برده، سلامت و امنیت منافع امپریالیستها را تا" مین نایند. این نشان میدهد که هدف اساسی امپریالیسم مهارت است از تا" مین جریان نفت. بویژه پس از آنکه با اشغال جزیره "الخنم" و تسلط بر شبه کوه هادر تنگ مسندم و ایجاد یک پایگاه هوایی ایران در جزایر کوری موری، گد رگه های نفت در تنگ هومز مورد حمایت نیروهای ایرانی قرار گرفت.

"حطه بزرگ" و خط سبز

هم اکنون نیروهای نظامی سختی در امتداد یک نوار وسیع که از شرق تا به غرب در منطقه وسطی کشیده شده ادامه دارد. نیروهای ایرانی در برخی از مواضع پیاده شده اند. انگلیسها نیز در مسقط با این حطه نظامی که آن را "حطه بزرگ" نامیده اند اعتراف دارند هدف مرحله ای این "حطه بزرگ" آن است که خط احمر (خط سبز) را که صلاله را بشمریت و شمال و بقیه مراکز نظامی واقع در مرزهای سعودی شامل میکنند، تصرف کنند. همه میدانند که "جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج عربی" از سال ۱۹۶۹ پس از نیروهای نظامی سختی که در برابر نیروهای مزدور بسرکردگی السران انگلیسی داشتند جا به "خط سبز" را آزاد کرده و بدین ترتیب تنها خط عده مواصلاتی که صلاله، پایتخت استان جنوبی (ظفار را) بکنیه مراکز صحرائی وصل میکند قطع نموده است. نیروهای دولتی تدارکات لازمه را از طریق دریا و هوا به صلاله

میرساند و نیروهای انگلیسی و مزدوران، تدارکات و خواربار خود را از طریق -
هواپیماهاییکه از پایگاه صلاله برمیگزینند دریافت میدارند . اما چرا از بین مناطق
آزاد شده منطقه وسطی را انتخاب کرده اند ؟ منطقه وسطی هم برای انقلاب
و هم برای دشمن منطقه استراتژیک مهمی است . این منطقه مشرف بر شهرهای -
اصلی ظفار و بخصوص صلاله است . انقلاب توانسته است با استفاده از تمرکز بر
این منطقه ، پرتها ، مواضع استراتژیک شهرها را مورد حمله قرار دهد و در درجه
بزرگی برای دشمن بوجود آورد . دشمن میخواهد وجود انقلاب را از افکار عمومی
پنهان دارد اما با وجود صدای خمپاره ها که شهرها را میکوبد و هر خودی
و بیگانه ای آن را میشنید چگونه میتوانست آن را مخفی دارد . در ماه نوامبر
۷۳ نیروهای انقلاب پایگاه صلاله را با توپخانه زیر آتش گرفتند و توانستند در -
دل افسران انگلیسی و دست نشانده گان آنها رعب افکنند . این عملیات تعداد های
زیادی را در صفوف دشمن و همدستان او پدید آورد ، بطوریکه بسیاری از -
خیانتکاران سابق دیگر حاضر نشدند به قاپوس همکاری کنند و یا کشور را ترک
کردند و یا دوباره به جنبش بازگشتند .

خط سرخ بسته نخواهد شد

خط سرخ را از این رو چنین نامیده اند که نبردهای شجیدی در آن در گرفته
است . در مناطق آزاد شده ، ترانه ای هست که مردم آنرا زمزمه میکنند .
ترانه میگوید :

• اگر دست نشانده گان استعمار جاده " سر " را سد کنند

و اگر بکشند که آب را بر ما ببندند
ارتش آزاد بیخشن آنرا خواهد گشود .

با خون خویش، همه تپه ها و سراسر صحنه های نبرد را آبیاری خواهیم کرد
خون ما راه خویش را بسوی دره ها و قله ها خواهد شکافت
ما با زور و قهر، جان نوکران استعمار را از آنها خواهیم ستاند
هر قدر بکشید که "خط سرخ" را باز کنید نخواهید توانست
خلق آنجاست

درختان آنها را ترک نخواهید کرد

و تفنگ ها در دست ارتش آزاد بیخشی باقی خواهد ماند ."

خسارت های زیادی که نیروهای مزدور تحمل کردند آنها را وارداشته است که از
جنگ در این موضع سرباززنند لذا انگلیسها از لحاظ نظامی میکوشند بر "خط
سرخ" مسلط شوند تا منطقه شرقی را که در آن چاه های نفت یافت میشود و نیز
قسمت شرقی خط سرخ را از دیگر مناطق آزاد شده جدا کنند تا در یک حلقه
نظامی همه جانبه بتوانند انقلاب را نابود سازند . . .

اما شرکت دارن نیروهای ایرانی دلیل ورنشکستی حکام مسقط و نیروهای انگلیسی
در امر سرکوبی نظامی انقلاب است . امپریالیسم آمریکا مطمئن نیست که انگلیس و
نیروهای مسقط بتوانند انقلاب را نابود سازند بخصوص که این نیروها در طول ۸
سال گذشته پهبانی شکست خورده اند . هدف حقیقی از شرکت نیروهای ایرانی و
بویژه با توجه به حجم زیاد آن عبارت است از اینکه عمان را با همکاری سعودی -
تحت تسلط ایران قرار دهند اگر چه سعودی نمیخواهد خود را در برابر دولت
های عربی بعنوان متجاوز نشان دهد . در شرایط خطیر کنونی که منطقه عمان
و خلیج و جنوب شبه جزیره عربی را فرا گرفته با توجه به تجاوز همه جانبه بیگانگان
بیک منطقه عربی ، آنچه که از دولتهای عربی و پیشرو در مرحله فعلی انتظار میرود

این است که بهر وسیله ممکن بحکم سقط فشار وارد آورند تا نیروهای بیگانه بخصوص ایرانی را شوق کرده آنها را فوراً باز گرداند . همچنین از کلبه نیروهای دوست انتظار داریم این انقلاب را که در محاصره تبلیغاتی شدیدی بسر میرود با هم بستگی و کمک خود یاری دهند .

دخالت ایران در عمان

نیکسون طی سخنرانی خود در کنفرانس آمریکا گفت : " آمریکا به کسانی کمک خواهد کرد که بخودشان کمک کنند " . شش ماه در توجیه سیاست تسلیحاتی وسیع خود بارها این جمله را تکرار کرده است . کمک بخود در نظر ایالات متحده بدین معنی است که رژیم های پوسیده وابسته با آمریکا که واشنگتن آنها را کشورهای " همپیمان " مینامد در حفظ خویش بکوشند همچنین منظور نیکسون در درجه اول این است که رژیم های منزه منافع آمریکا را حفظ کنند . منافع آمریکا امر مقدس است که نمیتوان بدان دست زد و آمریکا حق دارد هرگونه کفتری را که بخواید در حق کسانی که منافع او را به خطر اندازد اعمال دارد . " کمک بخود " در مرزهای معینی مشخص نمیشود بلکه رژیم وابسته میتواند برای حفظ منافع آمریکا نقش پامیان را بعهده بگیرد . قبلاً هم دیده ایم که رژیم دست نشانده ای مانند کره جنوبی چگونه بدخواست امریالیم آمریکا برای سرکوب خلق قهرمان ویتنام ، بدانجا نیرو اعزام میدارد .

ایران و نقش آمریکا

شاه ایران طی یک صحابه با آرنولد دوروگرف سردبیر نیویورک در ماه ۲۳ با صراحت تمام سیاست تجاوزگارانه خود را بیان داشت . از شاه خواسته شد که توضیح دهد منظور او از اینکه ایران باید قویترین نیروی نظامی منطقه باشد

جهت و او جواب داد: من از سال ۱۹۵۹ با بهترین‌گرم در سال‌های ۶۰ به این فکر افتادم چون باین نتیجه رسیدم که ایالات متحده ممکن نیست که بتواند برای ابد نقش‌راندارم بین اطلالی را بازی کند. آمریکا به من خبر داد که چندان در فکر نباشم چه او میتواند در هر جای دنیا که لازم باشد دولت‌شکر نیرو را از طریق هوا پیاده کند اما تصمیم انگلیس در سال ۱۹۶۸ گرفته شد و خلاصه پدید آمد (تصمیم مربوط به خروج نیروهای نظامی انگلیس از شرق سوئز م).

سیاست جدید شاه منی بر ایجاد یک نیروی نظامی غربی با روی کار آمدن نیکسون و اجرای این سیاست جدید که بگذار خلیجها بچمان بگذر بقتند "منطبق است. آمریکا در ویتنام این سیاست را اینطور پیاده کرد که بگذار "ویتنامها با ویتنامها بجنگند" و در خلیج "بگذار ایرانی ها با عانها بجنگند" و در اردن "بگذار اردنیا با فلسطینها بجنگند" البته دست نشاندگان امریالیم حاضر نیستند اجرای کنند که این نقش را به نهایت از آمریکا بعهده دارند و ناگزیر و انور می کنند که بنا به "اراده مستقل خویش" دست به اقدام میزنند. در ضمن آنچه گفته شد بدین معنی نیست که رژیم دست نشاند خود منطقی در این زمینه ندارد.

شاه میگوید: "مصلوبیت ما نه فقط ملی و منطقه ای است بلکه ما نقش خاص و مدافع ۶۰٪ از کل ذخایر نفت جهان را بعهده داریم." و سپس میافزاید: "منافع فزاید در خلیج بخشی از منافع استراتژیک و امنیتی کشورهای غربی و آمریکا و ژاپن است اما این کشورها نمی توانند منافع خود را حفظ کنند بنابراین اجرای این مهم بعهده ما است."

بدین معنی ایران نه تنها خود را حائز منافع امپریالیسم در خلیج بنگس
در اقیانوس هند نیز میداند . و بهمین منظور، ایران دست به ایجاد يك ناو-
گان دریائی عظیم زره و مینباردها دلاروی آن خرج میکند . همچنین در بندر
حاده پیدا کرده در نزدیکی اقیانوس هند است دست به ایجاد بزرگترین پایگاه دریائی
زره که شاه جورج آنرا چنین توصیف کرده است: "پایگاهی برای ارتش و نیروی دریائی
و نیروی هوائی که بزرگترین پایگاهی خواهد بود که مشرف به اقیانوس هند
است و راههای ورودی خلیج فارس را حمایت میکند ."

مرزهای دلاورانه از نظر ایران تا اقیانوس هند امتداد مییابد زیرا مرزهای دلاورانه
بجول خود شاه در محاصره با نوزویک "در قرن بیستم حدی نمی شناسد"
بهین دلیل است که ناوهای ایرانی در دریای عمان و اقیانوس هند را تا باب
المنده در حضورند و نیز ایران توانسته است در جزایر "مورشیوس" واقع در
اقیانوس هند به تسهیلاتی دست یابد .

برای اینکه ایران بتواند نفوذ خود را که پشتوانه اش قدرت اوست گسترش دهد
از لحاظ نیروی هوائی نیز قدرت خود الزوده است . جدیدترین هواپیما های
جنگی منجمله بزرگترین اسکا دران فانتوم که بر آنها به ۱۴۰۰ میل میرسد
باین ترتیب حرم هوائی ایران ، فضای پاکستان و شرق هند و غرب مصر و سودان
و شام و سوریه و جنوب ترکیه و جمهوریهای آسیای شوروی را در بر میگیرد .
در واقع قدرت ایران در اینهای نلس را ندارم منطلقه خلیجج با منافع امپریالیسم
آمریکا منطبق است . ایالات متحده ایران را هم پیمان استراتژیک خود میداند
که نباید آنرا دست کم گرفت . سساکر در محاصره با روزنامه لیانلی "النسپار"
گفته: "ما در مورد شهادت و امنیت خلیجج به ایران تکیه میکنم و بدان اعتماد

داریم . " این منظور خطرناکی که امپریالیسم آمریکا در مورد حفظ انحصارات
 نفتی خود دارد ، حتی به تهدید بدخالت صلحانه نیز منجر شده است .
 ستاور فولبرایت امکان دخالت نظامی آمریکا برای حفظ منابع نفت را خاطر نشان
 ساخت . این مقصود خطرناک آمریکا عملاً در نفتی که ایران در خلیج و عمان
 به صدها گرفته بخشی مشهود است . اجرای این سیاست ابتدا با لغو یکجانبه
 توافق با عراق بر سر مسأله شط العرب صورت گرفت . سپس در ۲۹ نوامبر ۷۱
 ایران سه جزیره عمانی تنب کوچک و تنب بزرگ و ابوسبی را اشغال کرد . این
 اشغال وقیحانه سیاست شاه را در بکار بردن قهر برای تحمیل طمعکارانه های توسعه
 طلبانه ایران و دخالت در امور داخلی خلق ما و ایفای نقش حافظ منافع امپریالیسم
 و رژیمهای فاسد محلی بخشی نشان داد .
 ایران بنیان ششاه و نخست وزیرش اعلام کرده که : " ایران وجود هیچ رژیم
 انقلابی را در آنسوی خلیج تحمل نخواهد کرد ."
 خطری که امپریالیسم آمریکا را واداشته تا از ایران و اندام منطقه بسازد در این
 سخن شاه منعکس است :
 " امکان دارد که برخی از رژیمهای آنسوی خلیج از جانب عناصر تندرو و بوسله
 اعمال خرابکارانه در معرض سقوط قرار گیرند . همین شورش ظفار را در نظر
 بگیرید ، آیا اگر آنها موفق شوند در مسقط پایتخت عمان که مستقیماً متقابل
 تنگ هرمز قرار دارد ، چه وضعی ممکن است پیش آید ؟
 وقتی خبرنگاری می پرسد : آیا باین دلیل است که شما به عمان کمک کردید ؟
 جواب میدهد : " آری از ما کمک خواستند و ما هم پاسخ مثبت دادیم ."
 شاه تا کید میکند که با همکاری دیگران با بدون آنها حفظ منافع امپریالیسم را

بمهد میگرد . بدین صورت ایران بخود حق میدهد که وضع را بنظر خود ارزیابی کند و تصمیم بگیرد دیگران را خوش آیند یا نباشد . در مورد عمان باید گفت که دخالت ایران بنا بر درخواست رژیم دست نشانده مسقط و بدینال سیاست این رژیم دایره کمک گرفتن از دشمنان بیگانه برای سرکوبی توده های عمانی صورت گرفته است .

امروز عمان جولانگاه نظامیان دولتها شده است . انگلیس که در استعمارگری سابق طولانی دارد ، اردن که در سرکوبی خلق فلسطین و ایفای نقش خرابکارانه در خدمت به امپریالیسم معروف است و ایران که نقطه اتکا امپریالیسم آمریکا و سعودی مرکز نقل منافع امپریالیسم آمریکا .

سیر سعودی دخالت ایران

در فوریه ۱۹۷۲ یک هیأت عمانی بریاست توفیق بن شهاب ، مشاور سلطان قابوس از تهران دیدن کرد و در آنجا مورد استقبال گرم دربار قرار گرفت . در خلال این دیدار مسئولین عمانی وظیفه ملی خود را در مورد جزایر عمان فراموش کرده و پیمان ورود ایران به عمان را امضا کردند و بر اساس آن ، دخالت وسیع ایران و حاکمیت ملی آن بر قسمتی از اراضی و آبهای ساحلی عمان شروع شد .

پس از امضا این توافق نامه ، ایران جزیره عمانی " الغنم " را اشغال کرد و نیروی دریائی و هوائی ایران به گشت زدن و تقسیم منطقه " رو " من الجبال که جزئی عمانی تنگ هرمز و قسمتی از آبهای ساحلی عمان است پرداختند .

اینها همه با آراش و سکوت کامل انجام گرفت تا آنکه " جنبه خلق برای آزادی

جان و خلیج عرس " اشغال جزیره " الخیم " و حاکمیت و تسلط ایران بر اراضی
و آبهای خلیج مسندم را افشا کرد . طبریزم اصرار تعدادی از روزنامه نگاران عرب
برای بازدید از مناطق مزبور ، حکومت مسقط لاطمانه این تظاها را رد کرد
همانطور که مقامات عمانی و تسلط ایران بر قسمتی از اراضی عمان را تکذیب کردند
وصول اسلحه و مستشاران ایرانی را نیز انکار نمودند . اما پس از مدتی و تکذیب
مکرر خود را پس گرفتند و لاهوس در مصاحبه ای با روزنامه " النهار " بتاریخ
۲۲/مارس/ ۱۹۷۲ رسماً اعتراف کرد که " ما کله و خدمات نظامی مختلفی
از ایران دریافت میکنیم . افسران ایرانی این کمکها را زیر نظر دارند و
تعدادی هم هواپیمای ایرانی بکنه ما فرستاده شده است ."

این اعتراف در واقع دربر بود زیرا قبل از آن هیاتهای عرس متعددی توانسته
بودند وجود نیروهای نظامی ایران را در عمان مشاهده کنند و نیز چندین
روزنامه نگار عرب و غیر عرب که توانسته بودند از حلاله دیدن کنند به دخالت
نظامی ایران پی برده بودند و بدین ترتیب حکومت مسقط تحت فشار قرار گرفت
و از موضع قبلی خود دست برداشت .

در اجرای موافقتنامه سری که در ماه مارس ۷۲ بین تویلی بن شهاب و حکام
ایران در تهران امضا شده ایران ابتدا اسلحه و مشاورین نظامی و امنیتی سه
به عمان فرستاد . هم اکنون نیروهای ساواک نقش اساسی را در تنظیم و اجراء
حملات سرکوب علیه خلق ما در عمان بعهده دارند . نیروهای ساواک در اطراف
عرس خلیج نیز بهین فعالیتهای خرابکارانه مشغولند و علاوه بر آن به تعقیب
عناصر ملی ایرانی پرداخته میکنند آنها را دستگیر کرده به ایران برگردانند
و بعد از آن در اجرای موافقتنامه فوق عبارت بود از ارسال ۲۰ فروند

هلیکوپتر از نوع " لیجسته بل " با خلبانان ایرانی و نیز ارسال نیروهائی از طریق هوا به اردوگاههای دشمن در صلاله . قسمتی از همین نیروها بعداً به جزیره حلانیات (کوری موری) فرستاده شد تا پس از تخلیه جزیره از برضی از ساکسین آن در آنجا تا " سیسات نظامی لازم را بنا کنند و بقیه نیروهای ایرانی به اردوگا - های ارتش در منطقه شرقی و مرا ارسال شدند . نیروهای ایرانی از سرگز فرماندهی خود واقع در صلاله دستور میگیرند نه از فرماندهی ارتش مزدوری که زیر نظر امیران انگلیسی است .

برای آنکه ایران به تمهید این حمله نظامی بپردازد و پیمان مستنقو اعلام کرد که يك سلسله مانور های نظامی از ۲۰ نوامبر ۷۲ (بعدت ۱۲ روز) انجام خواهد شد در این مانور نیروهای دریائی و هوائی ایران و انگلیس و امریکا و ترکیه شرکت داشتند و از هوا و دریا به پیاده کردن نیرو پرداختند . (این مانور در دریای عمان و آبهای خلیج صورت گرفت) . این اولین مانوری نیست که درین منطقه صورت گرفته اما از جهت کیفیت و هدف های آن از همه وسیعتر و خطرناکتر است . این مانورها در واقع برای آزمایش نیروهای ایرانی انجام گرفت که قرار بود به عمان حمله کنند و نیز برای آزمایش دیگر نیروهای پیمان مستنقو بود که هر وقت لازم باشد مورد استفاده خواهند گرفت . در زیر سر پوش مانور مستنقو ، نیروهای ایرانی از پایگاه بزرگ جاه بهار که در استان بلوچستان قرار دارد با گشتی های جنگی بطرف ظفار حرکت کردند . وزیر اطلاعات جمهوری دموکراتیک خلق یمن در يك گفتارنش مطبوعاتی که در بیروت در دسامبر ۱۹۷۳ انجام شد اعلام کرد که این نیروها بسوی استان ششم یمن دموکراتیک در حرکتند و در واقع ناوهای دریائی ایران را میشد از ظفشار و از استان ششم یمن با چشم غیر مسلح

دید . فعالیت هواپیماهای دشمن نیز در مرزهای یمن در کوکراتیک رو به افزایش
نهاد . هدف این نیروها تجاوز به منطقه آزاد شده ظفار بود .

پیش از ۲۰ دسامبر که از آغاز حمله ایران است، نیروهای ایرانی در اردوگاههای
مرزی دشتی ساحلی صلاله متمرکز شدند (در اردوگاه فرج وام الغوارف و پایگاه
صلاله) . تعدادی از نیروهای ایرانی نیز به نوار شمالی منطقه (شریعت و شعلیت)
فرستاده شدند .

شبانگه ۲۰ دسامبر نیروهای ایران از دو سوی جنوب و شمال بوسیله هلیکوپتر
پیاده شدند . ۲۵ هواپیما هم مشاهده شد که آنها را همراهی میکردند این
نیروها در نقاط مختلفی در دو سوی خط سرخ که بدان جاده احمر میگویند
پیاده شدند . پیاده شدن این نیروها با حمایت هواپیماهای انگلیسی که از
صلاله و مسیر پرواز کرده بودند انجام شد .

دشمن توانست یک هفته تمام این حمله را از انظار افکار عمومی جهانیان پنهان نگاه
دارد . اما جبهه خلقی از این حمله تجاوزکارانه پرده برداشت بطوریکه
یک سخنگوی رسمی در مسقط در تاریخ ۲۶ دسامبر مجبور شد در یک صحابه با
رادیو بی . بی . سی . سی اعتراف کند که بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ سرباز ایرانی با
بسیار هلیکوپتر در راه سحله ای قرار دارند که هم اکنون برای تسلط بر جاده
حمرین (خط سرخ) جریان دارد و چند ناو دریایی هم آنها را در این حمله
کامک میکند .

خبرنگار بی . بی . سی اشاره کرد که ایران توانسته است بی سروصدا تسهیلات
خود را نسبت به سلطان نشین عمان به سه برابر آنچه سابقا بود افزایش دهد ؛
این حمله بزرگ نظامی ایران در راه سد خاکیهای روز افزون ایران در امور داخلی

همان قرار دارد و اینها همه برای آنست که رژیم دست نشانده مسقط را در جنگ علیه خلق عمان یاری دهد .

دخالت ایران در حد این حمله متوقف نخواهد شد بلکه همانند دخالت آمریکا در ویتنام روز بروز افزایش خواهد یافت و تا آنجا که ایران مسئولیت نخستین و کامل را در این جنگ بپذیرد و همان نقشی را که انگلیس از آغاز جنگ خلق در ۹ ژوئن ۱۹۶۵ بپذیرد داشت ایفا کند .

وقتی ایران بخود حق میدهد که اوضاع آنسوی خلیج را بنا به میل خود تغییر دهد مسلماً هدف بعدی تجاوزات ایران و رژیم پشمن در کوکراتیک است . این در واقع ادامه سیاست تجاوز گارانه کنونی استعمارگران و مرتجعین خواهد بود .

همانگونه که انگلیس دست به تجاوزات متعدد در موزی علیه پشمن در کوکراتیک زد ، نیروهای تجاوزگر ایرانی نیز برای تجاوز به پشمن در کوکراتیک دست آویزی خواهند یافت . تجاوز ناوگان ایرانی به آبهای ساحلی پشمن در کوکراتیک از آغاز مانورهای پیمان سنترو تاکنون همچنین ادامه دارد .

ما در این بحث کوتاه تنها از دخالت ایران در همان سخن گفتیم زیرا این یک تحول خطرناک و جدید در دخالت بیگانگان در عمان است . از پیش از ۸ سال پیش تاکنون این یک تحول خطرناک در جنگ تجاوز گارانه علیه خلق ما در شرایط حاضر و آینده بحساب می آید .

ما در اینجا به دخالت نظامی و سیاسی دیگر نیروهای بیگانه که عبارتند از انگلیس و ایالات متحده و سعودی اشاره نکردیم . نیروهای بیگانه و دست نشانده هر یک نقشی را که از طرف آمریکا بپذیرد شان گارده میشود اجرا میکنند . این امری است روشن و حتی خود حکام مسقط بدان اذعان دارند .

ما میخواهیم خاطر نشان کنیم که تجاوز ایران علیه وطن ما نتیجه منطقی سیاست خطرناکی است که امپریالیسم آمریکا و ارتجاع ایران اعمال میکنند و بخود حس می دهند که نقش ژاندارم بین المللی را ایفا نمایند تا منافصشان را کسب با "منافع خلق عمان و حق حاکمیت او در تضاد است" با اعمال زور تا "مین نمایند امپریالیسم و ارتجاع بخود حق می دهند که به سرکوبی انقلاب خلق عمان بپردازند باین بهانه که انقلاب عمان عبور نفت از تنگه هرمز را تهدید میکند .

"جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج عسری" هرگز نگفته است که جلوی ارسال نفت را خواهد گرفت . جبهه خلق برای کسب حاکمیت خلق ما بر ثروت های نفتی که کارتلهای نفتی آنها غصب کرده اند و مبارزه می کند . جبهه هرگز نمیخواهد که دنیا را از همکاری عادلانه و متساوی در این زمینه محروم دارد . ایران خود را حافظ منافع امپریالیسم و کارتلهای معرفی میکند و انقلابهای تودمائی و تحولات ریشه ای را که در شبه جزیره عربی صورت میگیرد برای خود خطرناک میدانند و بخود حق می دهد که با دخالت خویش به سرکوبی این انقلابات و تحولات ریشه ای بپردازد . این است ریشه سیاست خطرناک ایران .

پ ی ا ن
+++++

مردم ایران تنفر خویش را از اهدام شاه
در لشکرکشی به عمان با شکل مختلف
اعلام داشته اند :

- انقلابیون با انجام چندین عملیات
عملیات سلحانه و پخش بیانیه سیاسی نظامی
- خانواده های نظامیان با تظاهرات
جلوی وزارت جنگ و مطالبه بازگشت نیروهای
نظامی از عمان .
- دانشجویان داخل و خارج کشور با
تظاهرات و پخش بیانیه ها و جمع آوری
کله مالی .

((پیروز باد نیروی سلحانه خلق))

(X)

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران
اردهیشت ۵۳



TerrorSpring

تیکثیر از کشف رایسون جهانی محصلین و نشجویان ایرانی